172775 ـ اسلام دین همهٔ پیامبران است

سوال

اسلام با شعائر و ارزش‌هایش یک دین واقعا بزرگ است، اما با این حال آخرین دین است. این پرسش برایم پیش آمده که چرا این دین در همان آغاز و از دوران آدم علیه السلام نیامده است؟ و آیا نمازی یا چیزی شبیه به آن بوده که انسان برای ترکش مجازات شود؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

ممکن است این سوال در ذهن کسانی مطرح شود که فکر می‌کنند دین اسلام از رسالت‌های آسمانی پیشین جدا است و این ایده‌ای است که یهودیان و نصرانیان سعی در ترویج آن داشته‌اند. اما حقایق قرآنی به وضوح تأکید می‌کنند که اسلام دینی است که ادیان پیشین را تکمیل می‌کند و آنچه پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آورده است، از همان منبع وحی الهی سرچشمه می‌گیرد که پیامبران پیشین نیز از آن بهره‌مند بوده‌اند. این وحی الهی است که بشریت را از نور هدایت و سعادت بهره‌مند می‌سازد.

الله عزوجل می‌فرماید: وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ [آل عمران: ۱۴۴] (و محمد نیست مگر فرستاده‌ای که پیش از او نیز فرستادگانی آمده‌اند).

و همچنین می‌فرماید: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ [آل عمران: ۱۹] (در حقیقت، دین نزد الله اسلام است).

و نیز می‌فرماید: قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ [احقاف: ۹] (بگو: من پدیده‌ای نوظهور در میان پیامبران نیستم و نمی‌دانم سرنوشت من و شما چه خواهد شد؛ تنها از آنچه به من وحی می‌شود پیروی می‌کنم و فقط هشداردهنده‌ای آشکارم).

مؤمنانی که از پیامبران پیشین پیروی کرده‌اند، همه به معنای عام مسلمان بوده‌اند و با اسلام خود وارد بهشت می‌شوند. اما اگر کسی پس از بعثت پیامبر اسلام ـ صلی الله علیه وسلم ـ ایشان را درک کند، تنها پیروی از ایشان از او پذیرفته می‌شود.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «کسانی که از شریعت تورات یا انجیل که دچار تحریف یا نسخ نشده پیروی

کرده‌اند، بر دین اسلام هستند، مانند کسانی که قبل از بعثت مسیح ـ علیه السلام ـ بر شریعت تغییر نیافتهٔ تورات بودند، و کسانی که قبل از بعثت محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ بر شریعت تغییر نیافتهٔ انجیل بودند.» (مجموع الفتاوی: ۲۷/ ۳۷۰).

وقتی خداوند متعال به ما خبر می‌دهد که دین نزد او اسلام است و هر پیامبری که فرستاده شده، قوم خود را به توحید دعوت کرده است، برای ما روشن می‌شود که دینی که خداوند دوست دارد بندگانش به آن عمل کنند، اسلام است. اسلام به معنای عقیدهٔ توحید است که بر ارکان شش‌گانهٔ ایمان استوار است و بر ارزش‌های حق، عدل و فضیلت بنا شده است. این دین همان است که آدم ـ علیه السلام ـ و نیز خاتم پیامبران، محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ با آن مبعوث شده‌اند.

الله متعال می‌فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ [انبیاء: ۲۵] (و پیش از تو هیچ فرستاده‌ای نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبودی جز من نیست، پس تنها مرا بپرستید).

و از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت شده که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند:

«من در دنیا و آخرت سزاوارترین مردم به عیسی بن مریم هستم. پیامبران برادرانی از یک پدرند که مادرانشان متفاوت است، اما دینشان یکی است». (بخاری: ۳۴۴۳ و مسلم: ۲۳۶۵).

حافظ ابن حجر ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «معنای حدیث این است که اصل دین همهٔ پیامبران یکی است و آن توحید است، هرچند که فروع شرایع متفاوت باشد». (فتح الباری: ۶/ ۴۸۹).

دکتر عمر الاشقر ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اسلام در زبان قرآن نام دین خاصی نیست، بلکه نام دین مشترکی است که همه پیامبران آن را تبلیغ کرده‌اند. نوح به قوم خود می‌گوید: وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ [یونس: ۷۲] (و به من دستور داده شده که از مسلمانان باشم)، و اسلام دینی است که خداوند به ابراهیم، پدر پیامبران، دستور داد: إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ [بقره: ۱۳۱] (آنگاه که پروردگارش به او فرمود: [خالصانه] تسلیم شو [و او در پاسخ] گفت: تسلیمِ پروردگار جهانیان شدم) و ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود چنین وصیت می‌کنند: فَلاَ تَمُوتُنَّ إَلاَّ وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ [بقره: ۱۳۲] (و نمیرید مگر اینکه مسلمان باشید)، و فرزندان یعقوب به پدر خود پاسخ می‌دهند: نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ [بقره: ۱۳۳] (معبودِ تو و معبودِ پدرانت ـ ابراهیم و اسماعیل و اسحاق ـ الله یکتا را عبادت می‌کنیم و ما تسلیم او هستیم). موسی خطاب به قوم خود می‌گوید: يَا قَوْمِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُواْ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ [یونس: ۸۴] (و موسی گفت: ای قوم من، اگر به الله ایمان آورده‌اید و اگر مسلمان هستید، پس بر او توکل کنید) و حواریون به عیسی می‌گویند: آمَنَّا بِاللهِ وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ [آل عمران: ۵۲] (به الله ایمان آورده‌ایم و [تو نیز ای عیسی،] گواه باش که ما مسلمان هستیم) و هنگامی که گروهی از اهل کتاب قرآن را شنیدند، گفتند: آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ [قصص: ۵۳] (به آن ایمان

آوردیم. یقیناً سخن حقی از جانب پروردگارمان است. به راستی که ما پیش از [نزول] آن نیز مسلمان (تسلیم فرمان پروردگار)] بوده‌ایم).

اسلام شعار و نمادی عام است که از کهن‌ترین دوران‌های تاریخی تا عصر نبوت محمدی ـ صلی الله علیه وسلم ـ بر زبان پیامبران و پیروانشان جاری بوده است». (الرسل والرسالات: ۲۴۳)

اما شرایع پیامبران و رسولان پیشین ـ یعنی احکام فقهی ـ با بعثت سرور پیامبران محمد ـ صلی الله علیه وسلم ـ نسخ و تغییر یافته‌اند. خداوند متعال او را به شریعتی کامل و مناسب برای همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها اختصاص داده و به همهٔ مردم دستور داده است که از این شریعت پیروی کنند و آنچه از شرایع پیشین پیروی می‌کردند را رها کنند.

بلکه علما تأکید می‌کنند که آنچه از شرایع پیامبران پیشین نسخ شده، برخی جزئیات است، اما کلیات و اصول شرایع یکی است و در آن‌ها اختلافی وجود ندارد.

شاطبی ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«قواعد کلی مانند ضروریات، حاجیات و تحسینیات در شرایع نسخ نشده‌اند، بلکه بنابر استقراء، نسخ تنها در امور جزئی رخ داده است... بلکه اصولیان معتقدند که ضروریات در هر شریعتی رعایت شده‌اند... و مقتضای امر در مورد حاجیات و تحسینیات نیز همین است. خداوند متعال می‌فرماید: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ [شوری: ۱۳] (از دین همان را برای شما مقرر کرد که به نوح امر کرده بود؛ و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی امر کردیم؛ اینکه: دین را برپا نگاه دارید و در مورد آن فرقه‌فرقه نشوید [و اختلاف نورزید]).

و نیز می‌فرماید: فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ} [احقاف: ۳۵] (پس همان‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند، صبر کن .

و پس از ذکر بسیاری از پیامبران می‌فرماید: أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ [انعام: ۹۰] (آنان کسانی هستند که الله هدایتشان کرده است؛ پس [ای پیامبر] از هدایت [و راه راست] ایشان پیروی کن).

و نیز می‌فرماید: وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ [مائده: ۴۳] (و آنان چگونه تو را به داوری می‌طلبند در حالی که تورات نزدشان است [و] حکم الله در آن وجود دارد؟)» (الموافقات: ۳/ ۳۶۵)

دکتر عمر الاشقر ـ رحمه الله ـ نیز می‌گوید:

«ناظر در شرایع درمی‌یابد که آن‌ها در مسائل اساسی با هم توافق دارند، و پیش از این نیز نصوصی ذکر شد که نشان می‌دهد

خداوند برای امت‌های پیشین نماز، زکات، حج و خوردن حلال را تشریع کرده است. اختلاف شرایع تنها در برخی جزئیات است، مانند تعداد نمازها، شرایط و ارکان آن، مقدار زکات، مواضع قربانی و مانند آن، که ممکن است از شریعتی به شریعت دیگر متفاوت باشد. گاهی خداوند چیزی را در شریعتی به دلیل حکمتی حلال می‌کند و در شریعت دیگر به دلیل حکمتی دیگر حرام می‌کند». (الرسل والرسالات: ۲۵۰).

مسئلۀ مهم این است که اسلام عظیم، دین همۀ پیامبران است و از آغاز نبوت، از زمان آدم ـ علیه السلام ـ ظهور کرده است. همۀ رسالت‌ها به سوی آن دعوت کرده‌اند و آن را تبلیغ نموده‌اند، از نظر عقاید و اصول احکام مانند نماز، روزه، زکات و حج که در میان امت‌های پیشین نیز وجود داشته است. الله متعال دربارۀ اسماعیل ـ علیه السلام ـ می‌فرماید:

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا [مریم: ۵۵] (و [همواره] خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود).

و دلیل تشریع روزه برای امت‌های پیشین این سخن حق تعالی است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ [بقره: ۱۸۳] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شده است همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند [نیز] واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید).

و حج از زمان ابراهیم ـ علیه السلام ـ وجود داشته است، چنان‌که الله تعالی می‌فرماید:

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ [حج: ۲۷] (و بین مردم برای [ادای] حج ندا بده تا پیاده و [سوار] بر هر [وسیلۀ سفر یا] شتر لاغری، از هر راه دوری به سویت بیایند).

اما اختلاف در برخی احکام یا برخی جزئیات، به خاطر مصلحتی است که خداوند برای بندگانش در آن زمان در نظر گرفته است، زیرا شرایع پیشین موقت و محدود به زمان خاصی بودند و بر اساس مصلحت بندگان و شرایطشان در آن دوران تشریع شده‌اند.

و الله اعلم.